



شهر منهای وقتی که هستی حاصلش برنخ خشک و خالی جمع آینه‌ها ضربدر تو بی عدد صفر، بعد از زلای می شود گل در اثنای گلزار، می شود کبک در عین رفتار می شود آهوئی در چمنزار، پای تو ضربدر باغ قالی چند برگی است دیوان ماهت؟ دفتر شعرهای سیاهت؟ ای که هر ناگهان از نگاهت یک غزل می شود ارتجالی

هر چه چشم است جز چشم‌هایت سایه‌وار است و خود در نهایت می کند بر سبیل کنایت مشق آن چشم‌های مثالی ای طلسم عددها به نامت! حاصل جزر و مدها به کامت! وی ورق خورده احتشامت هر چه تویم فرخنده فالی!

حسین موزنی

حاصل جمع آب و تن تو، ضربدر وقت تن شستن تو هر سه منهای پیراهن تو، بر که را کرده حالی به حالی

توکا

در آبی‌های اثیری، چشم می گردانم پروازهای خسته سرگیجه می گیرد در جوار کلبه‌ای کوهستانی! سپید و سیاه - ابلق - بر خاک می افتد!



امید چیره بر بیم تو باشی دوی درد بدخیم تو باشی اگر چه عاشقی مرزی ندارد خوشا آن دم که اقلیم تو باشی

ایمان زارع

به من سازی بیاموز تا برای رهگذران در درودها و بدرودها بنوازم...

بهرسم یادگاری

پُریم از پینه اما دست ما را نان نمی گیرد چرا با سخت گوشان زندگی آسان نمی گیرد برای عده‌ای دائم بهاری می شود دنیا ولی در شهر ما پاییز هم باران نمی گیرد تمام هفت سالی را که گاو آهن به خود بستیم گذشت اما چرا پس گاو لاغر جان نمی گیرد سوار کشتی نوحیم و درها پشتمان بسته‌ست بدان جامانده‌اند از ما ولی طوفان نمی گیرد

داوود کوچکی

بهرسم یادگاری عکس آزادی فقط مانده‌ست ولی دیگر کسی عکسی در این میدان نمی گیرد

فرشته محمدشاهی

توکا: مرغی به اندازه کبوتر که گونه‌های مختلف دارد با نخ‌های سپید و سیاه که در جابجای مرطوب و شمال کشور زندگی می کند.

مهتاب موسوی آشنا

گر چه سکوت کردم و گفتند رضایم لبریز دردم و غزلی اعتراضی ام از من مپرس «حال» مرا بعد رفتنت تا در حصار لشکری از فعل «ماضی ام» از لحظه‌ای که پاسخ حرفم سکوت شد میهم تر از معادله‌های ریاضی ام راز بقای من شده‌ای، ترک من مکن بی تو دچار عاقبتی اعتراضی ام قدری بیاه برای خدا گفت و گو کنیم اقرار می کنم، به امید تراضی ام گردی غریب بر سر و رویم نشسته است پرونده‌ای تکیه روی مین قاضی ام...



منتظر اخبار و مطالب شما هستیم لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسال، آزاد است و مطالب ارسال برگشت داده نمی شود. iman.zare.1981@gmail.com کارشناس سرویس ادبی - هنری: ایمان زارع



تو که تنها امید انقلابی‌های تاریخی تو که صد باغی دلداه در کوه و کمر داری! تو که سربازهای عاشقت در جنگ‌ها مُردند ولی در لشکرت سربازهایی بیشتر داری تو که در انتظار فتح یک آینده خوبی بگواز حال من در روزهای بد خبر داری؟

خبر داری که ماهی - قرمز غمگینمان دق کرد؟ خبر داری که سر ما زده درخت سبیمان افتاد؟ خبر داری تنم مثل اجاق مرده‌ای بیخ کرد؟ تمام بوسه‌هایی، بی تو سُرخورد از دهان افتاد خبر داری که بعد از رفتنت پرواز یادم رفت؟ دلم گنجشک ترسوئی شد و از آشیان افتاد

نگاهم کن! منم! تنها درخت «باغ بی برگی» که با لطف تیرها دوستان مرده‌ای دارم منم سرباز پیر «پادشاه فصل‌ها پاییز» که در جنگ زمستان، گوش سر ما بُرده‌ای دارم! صدایت می کنم با «بوستینی کهنه بر دوشم» دل اندوهناکی، «سنگ تپیاخوره» ای دارم!

نمی‌خواهم ببینم زخم‌های سرزمین را دلم خون است ز سر چکمه‌های روس و عثمانی زمستان می رسد با لشکری از برفه از طوفان کجا مخفی شوم در این جهان روبه ویرانی؟ کجای سینهام پنهان کنم عشق بزرگت را که قلب کوچکی دارند شاعرهای آبابی!

برای من بگو خواب کسی را باز می بینی؟ کسی آیا کنارت هست در رؤیای بعد از من؟ بگو آیا برای کشف یک لبخند می میرند؟ چگونه دوست دارند آدم‌های بعد از من؟ چگونه گریه دیروز را از یاد خواهی برد؟ چگونه غم که عادت می کنی فردای بعد از من؟

کلاغ فربه از شاخ هزارم یادمان انداخت که بالای درختان جای گنجشکان لاغر نیست کف پاهایمان در رد پای ترکه‌ها گم بود بدون مشق فهمیدیم یک با یک برابر نیست ازین تکرار در تکرار در تکرار غمگینم اگر چه زندگی خوب است، اما مرگ بهتر نیست!

امیرrahیم زوهار

عبدالملک کبکان

بعد بر مبل نشستی در مبل فرورفتی در مبل لرزیدی در مبل عرق کردی پنهانی، گوشه تقویم نوشتم: نهنگی که در ساحل تقلا می کند برای دیدن هیچ کس نیامده است...

به اتاق آمدم شمع‌ها را روشن کردم ولی هیچ چیز روشن نشد نور تاریکی را پنهان کرده بود...

در زدی باز کردم سلام کردی اما صدا نداشتی! به آغوشم کشیدی اما سایهات را دیدم که دست‌هایش توی جیبش بود

من و تو بارها زمان را در کافه‌ها و خیابان‌ها فراموش کرده بودیم و حالا زمان داشت از ما انتقام می گرفت

تکلیف رنگ موهات در چشم‌هام روشن نبود تکلیف مهربانی، اندوه، خشم و چیزهای دیگری که در کمد آماده کرده بودم تکلیف شمع‌های روی مین روشن نبود...



بارانی که روزها بالای شهر ایستاده بود عاقبت بارید تو بعد سال‌ها به خانم امی آمدی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی آن برابر رای شماره ۹۱۳۰۰۰۹۱۳۰۰۰۱۴۰۰۰۱۴۰۰۰۱۴۰۰۰ مورخ ۹۷/۵/۲۴ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض آقای سیروس زرینکلاه فرزند خسرو به شماره شناسنامه ۳۳۵ صادره از اقلید به شماره ملی ۲۵۳۹۶۲۸۸۶۹ در ششدانگ یک درب باغ مشجر به مساحت ۱۱۷۰ مترمربع کل پلاک ۴۰۱۹ واقع در بخش ۱۵ فارس اقلید مزرحه خونیان موضع شنبه خیابان ساحلی انتقال ملک از مالک رسمی مرحوم محمد زرینکلاه مورد ثبت شماره ۴۷۸۴ صفحه ۲۱۷ دفتر ۲۶ املاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست اخذ و به اداره ثبت تحویل نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۲۸۰۱۵/۱۷/۳۵ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۷/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۸/۱ رضا رحیمی - رئیس ثبت اسناد و املاک اقلید

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی آن برابر رای اصلاحی صادره هیأت موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست مربوطه اخذ و به اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تحویل نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱- برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۰۱۴۰۰۰۱۴۰۰۰۱۴۰۰۰ مورخ ۹۷/۶/۲۱ هیأت موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض آقای حسن آقائی کوهی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۱۴۱۴۷ و شماره ملی ۲۵۳۸۹۸۰۵۱۸ صادره از اقلید به میزان ۳۴۰۰۰ سهم مشاع از ۱۶۳۹۵۰ سهم سهام ششدانگ یک قطعه زمین زراعتی به مساحت ۱۶۳۹۵۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۳ واقع در بخش ۱۶ فارس شهرستان اقلید سرحد چهاردانگه روستای بابایی که جهت آن پلاک ۱۵۴ فرعی از ۱۳ منظور گردیده از مالکیت کل سهم الارثش از ابراهیم آقائی کوهی و مع الواسطه از غلامحسین آقائی کوهی مالک رسمی مورد ثبت شماره ۱۰۶ صفحه ۵۳۹ دفتر جلد یک و انتقالی از شاهرضا ایبوردی مورد ثبت شماره ۱۰۶ صفحه ۳۸۷ دفتر جلد یک محرز گردیده است.

برابر رای اصلاحی شماره ۱۴۰۰۱۴۰۰۰۱۴۰۰۰۱۴۰۰۰ مورخ ۹۷/۶/۲۱ هیأت موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک اقلید تصرفات مالکانه و بلاعارض آقای رحیم آقائی کوهی فرزند ابراهیم به شماره شناسنامه ۲۰ و شماره ملی ۲۴۵۲۳۳۵۶۸ صادره از اقلید به میزان ۹۵۹۵۰ سهم مشاع از ۱۶۳۹۵۰ سهم سهام ششدانگ یک قطعه زمین زراعتی به مساحت ۱۶۳۹۵۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۱۳ واقع در بخش ۱۶ فارس شهرستان اقلید سرحد چهاردانگه روستای بابایی که جهت آن پلاک ۱۵۴ فرعی از ۱۳ منظور گردیده از مالکیت کل سهم الارثش از ابراهیم آقائی کوهی و مع الواسطه از غلامحسین آقائی کوهی مالک رسمی مورد ثبت شماره ۱۰۶ صفحه ۵۳۹ دفتر جلد یک و انتقالی از شاهرضا ایبوردی مورد ثبت شماره ۱۰۶ صفحه ۳۸۷ دفتر جلد یک محرز گردیده است. ۲۸۰۱۴/۱۷/۳۶ تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۷/۷/۱۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۷/۸/۱ رضا رحیمی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اقلید